

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۳ (پیاپی ۲۷)، پاییز ۱۴۰۰

صص: ۹۳-۷۱

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

بررسی مقایسه‌ای ابیات استشهدی در حمزه‌نامه و حسین کرد

صفی اله طاهری اوروند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

دکتر شهرزاد نیازی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

دکتر محبوبه خراسانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

چکیده

قصه‌های عامیانه با پیشینه‌ای دیرینه، حامل نکات ارزنده‌ای هستند. در نتیجه، ضرورت دارد، این متون از زوایای مختلف مورد پژوهش قرار گیرند. دو تا از این آثار، قصه حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری است که در زمان صفویان مکتوب شده‌اند. در این متون، ابیاتی به کار رفته که با هم مقایسه شده‌اند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. در مقدمه و متن حمزه‌نامه ۱۲۰ بیت به کار رفته، که بسیاری از آن‌ها تکرار شده‌اند، ولی در متن حسین کرد ۴۰ بیت به کار رفته است. اشعار این کتب به موضوعات مدحی، اندرزی، اجتماعی، حماسی، عاشقانه، دعایی و توصیفی دسته‌بندی شده‌اند. بعضی از تشابهات این دو اثر عبارتند از: مذهبی بودن، حماسی بودن، عامیانه بودن و ... این دو قصه، تا مدت مدیدی به شیوه نقالی و شفاهی بیان می‌شدند. نویسنده هر دو اثر نیز نامعلوم است، نثر هر دو، ساده و عامیانه است، اگرچه در حمزه‌نامه اندکی نثر متکلف مشاهده می‌شود. تفاوت‌های دو اثر: حمزه‌نامه حجیم‌تر و دارای واژگان اصیل و کهن فارسی بیشتری است، اما در قصه حسین کرد واژگان ترکی، عامیانه‌تر و جدیدتر به کار رفته، قدمت حمزه‌نامه نیز بیشتر است. تکرار ابیات در دو کتاب زیاد است، ولی ابیات تکراری در حمزه‌نامه خیلی بیشتر است. بسیاری از مطالب حمزه‌نامه تناسب زمانی ندارند، اما مطالب تاریخی و جغرافیایی حسین کرد به حقیقت نزدیک‌ترند. بعضی از اشعاری که در این دو متن به کار رفته از فردوسی، نظامی و ... است. تشابه و تفاوت‌های هر دو کتاب با مثال، جدول، آمار و درصد، در ادامه نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: استشهد، حمزه‌نامه، داستان عامیانه، قصه حسین کرد، مقایسه

Email: s.tavarvand@gmail.com

niazi_60@yahoo.com

najafdan@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

۱- مقدمه

آثار نثر و نظم فارسی، دارای جذابیت‌ها و زیبایی‌های ادبی فراوانی است. از مهمترین ویژگی‌های نثر فارسی، کاربرد اشعار و ابیات فارسی و عربی، آیات قرآنی، احادیث، اقوال، حکایات و ضرب‌المثل‌ها در خلال متن داستان است. کمتر اثر ادبی دیده می‌شود که از این خصوصیت و ویژگی برخوردار نباشد. نمونه‌ی عالی این ویژگی، کتاب گلستان سعدی است. کاربرد نظم در خلال نثر اهداف و آثار زیادی دارد که از دیرباز برای اقناع و ترغیب مخاطب و رسایی و زیبایی سخن و به عنوان رکن استدلالی و به منظور اثبات نظر گوینده به کار می‌رفته است. در عصر صفوی به دلیل رونق زندگی شهرنشینی و پیدایش زمینه‌ی تحرک فرهنگی و اجتماعی میان اقشار گوناگون شهری، توجه به ادب عامه زیاد شد، لذا حجم بزرگی از این مجموعه مربوط به قصه‌های عامیانه است.

یکی از ویژگی‌های نثر دوره‌ی صفویه آمیختگی نثر و نظم است. دوره‌ی صفوی (۱۱۴۸-۹۰۷هـ.ق) شامل تعداد بسیاری از این گونه‌ی ادبی است. «استاد صفا در تاریخ ادبیات خود (جلد ۵، بخش سوم) تعداد کثیری از این داستان‌ها را معرفی کرده است. در این عناوین همه گونه داستان مذهبی، تاریخی، عاشقانه و ... به چشم می‌خورد. برخی از این داستان‌های عامیانه عبارتند از: تحریر جدیدی از داستان اسکندر که قدیم‌ترین آن متعلق به قرن پنجم است. طوطی‌نامه، ترجمه‌ی رامایان (حماسه‌ی هندی)، ترجمه‌ی مه‌بهارات (حماسه‌ی هندی)، قصه‌ی هزار گیسو، قصه‌ی چهار درویش و ... نثر این داستان‌ها معمولاً ساده و حتی محاوره‌ای و عامیانه است». (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۲۹)

۱-۱- بیان مسأله

در داستان‌های عامیانه، اشعار فراوانی از شعرای مختلف در بافت نثر داستانی وجود دارد که می‌تواند سیر تحول شعر فارسی و نیز چگونگی به کارگیری آن‌ها را در یک متن روایی عامیانه نشان دهد. «داستان عامیانه‌ی فارسی، آمیزه‌ای از عناصری است که ریشه در سنت‌های روایی، هندی و ایرانی دارند که در روزگار صفویان بالید و علاقه‌ی خاص فرمانروایان مغولی هند، از جمله پادشاه مشهور آن‌ها یعنی اکبرشاه به این گونه‌ی ادبی، آوازه بسیار داشت». (مارزلف، ۱۳۸۶: ۴۴۱-۴۴۰)

از جمله متون منشور فارسی، داستان‌های عامیانه است که از زبان نقالان و قصه‌خوانان بیان می‌شده است. در خلال این قصه‌ها و داستان‌ها، ابیات پراکنده‌ای از شعرای معلوم و نامعلوم آورده شده است که از لحاظ صنعت استشهاد قابلیت تحقیق و تدقیق دارد. این آثار عامه شامل منابع و مطالب ارزشمند ادبی، اخلاقی، اجتماعی، اندرزی، دینی، فرهنگی

و ... هستند. این داستان‌های عامیانه بیشتر نثری ساده و محاوره‌ای دارند. «داستان عامیانه، نوعی روایت مردمی است که به صورت شفاهی یا نقالی در قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد. مضمون اغلب این گونه داستان‌ها، جنگ، زندگی و ماجراهای عاشقانه بود و شخصیت‌های آن‌ها را پهلوانان، شاهان خوب و بد و ... تشکیل می‌دادند». (جانسن، ۱۳۹۷: ۴۶۱)

آثار عامیانه و قصه‌های سنتی ایرانی بیشتر از هر موضوعی برای سرگرمی و لذت بردن، بررسی سیر تحول نثر فارسی و جمع‌آوری مواد تاریخ اجتماعی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با گذشت زمان و اختراع چاپ این آثار تدوین و مکتوب شدند. چون این داستان‌ها منبعی از مسائل اجتماعی، اخلاقی، رسوم و آیین، باورها و مطالب اندرزی گوناگون هستند، بسیار مهم و حائز اهمیت‌اند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در باب ابیات پراکنده و استشهدی در داستان‌ها و قصه‌های عامیانه، می‌توان به اثر زیر اشاره نمود:

۱-۲-۱- کتاب «اشعار فارسی پراکنده در متون تا سال ۷۰۰ هجری» جلد ۱ و ۲، از آقای علی صفری آق قلع، مؤلف در این اثر، به تحقیق و پژوهش در ۲۲۴ متن فارسی چاپ شده در این دوره تا سال (۷۰۰ هـ.ق) پرداخته که از میان آن‌ها ۱۳۶ متن، دارای اشعار فارسی بوده و ۸۸ اثر فاقد شعر فارسی بودند. این اثر تنها در بردارنده اشعار متون فارسی چاپ شده تا قرن هفتم است. درباره اشعار استشهدی موجود در متون فارسی چه اشعار عربی و چه فارسی نیز تحقیقات زیر قابل ذکر است:

۱-۲-۲- حسین فقیهی، (۱۳۷۳)، «ابیات عربی در متون ادب فارسی تا نیمه دوم قرن ششم»، رساله دکتری تخصصی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران. در این رساله، به جمع‌آوری و ترجمه و حرکت‌گذاری اشعار پرداخته شده است.

۱-۲-۳- ابراهیم سروستانی، (۱۳۸۸)، «فرهنگ اشعار فارسی موجود در متون نثر عرفانی فارسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ولی عصر رفسنجان. در این پایان‌نامه به ارائه فرهنگ اشعار فارسی موجود در متون نثر عرفانی پرداخته شده و سپس به بررسی و تحلیل آن‌ها اقدام گردیده است. درباره قصه‌های عامیانه عصر صفوی نیز پژوهش‌های زیر به عنوان نمونه ارائه گردیده است.

۱-۲-۴- محمد دشتی، (۱۳۸۷)، قصه‌های عامیانه در عصر صفوی، ادبیات داستانی،

در این مقاله، نویسنده با توضیحی دربارهٔ حکومت صفوی، به مشهورترین قصه‌های عامیانهٔ این عصر و ویژگی‌های قصه‌های عامیانهٔ عصر صفوی پرداخته و ضمن ارائهٔ مطالبی در این باره به قصه‌هایی که رنگ دینی و مذهبی دارند و در آن‌ها از مبالغه و اغراق استفاده شده، اشاره گردیده و به قصه‌هایی چون ابومسلم‌نامه که رنگ تشیع به خود گرفته و سپس با اشاره به مقاصد عصر صفوی و مواد افیونی در آن زمان به حجیم بودن قصه‌ها از جمله رموز حمزه، بوستان خیال، اسکندرنامه و ... پرداخته است. در پایان سه تا از قصه‌های معروف عصر صفوی یعنی اسکندرنامه، حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری را معرفی کرده و سپس به شرح مختصری دربارهٔ آن‌ها پرداخته است.

۱-۲-۵- منیره احمد سلطانی، (۱۳۹۲)، «نگاهی به سیر قصه‌های عامیانه در دورهٔ صفویه با محوریت رموز حمزه»، مجلهٔ تاریخ ادبیات، شماره ۷۳.

در این مقاله، نویسنده به ویژگی‌های قصه‌های عامیانه، ویژگی‌های نثر دورهٔ صفویه و درون مایه‌های آن، تمایل مردم در عصر صفوی به قصه و قصه‌خوانی و همچنین به ممنوع کردن بعضی از قصه‌ها مانند ابومسلم‌نامه از سوی حاکمان صفوی اشاره کرده است. در ادامه به داستان‌هایی که ریشهٔ مذهبی داشته و مورد تأیید محافل مذهبی روزگار صفوی بود، مثل: رموز حمزه، مختارنامه و ... که رواج داشته، اشاره نموده است. در ادامه به بررسی مختصات سبکی پرداخته و نثر حمزه‌نامه را متفاوت و ناهماهنگ دانسته و سرانجام به ویژگی‌های عمدهٔ قصه‌های عامیانه که در همهٔ کتاب‌های دورهٔ صفوی، دیده می‌شود، اشاره نموده است.

۱-۲-۶- حاتم طایی سمیرمی و اظهر تجلی اردکانی (۱۳۹۹)، «نوستالژی دوران حماسی در شعر بختیاری»، فصلنامهٔ ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ششم، شمارهٔ سوم، شمارهٔ پیوسته ۲۹.

در این مقاله به اصالت اقوام ایرانی از جمله قوم بختیاری که دارای فرهنگی ریشه‌دار می‌باشند، پرداخته شده است. اغلب میراث و مرده‌ریگ فرهنگی این قوم به صورت شفاهی است. از آنجاکه دسترسی به ادب عامیانهٔ بختیاری کمتر به شکل مکتوب وجود داشته است، شناساندن آن به جامعهٔ فرهنگی نیز مغفول واقع شده است. نویسنده در ادامهٔ مقاله، به مطالب دربارهٔ نوستالژی دوران حماسی ایل بختیاری، جنگ‌ها، جنگ‌های داخلی، جنگ‌های بیرونی، ابزار جنگ و غیره اشاره کرده است و تعدادی از شاعران بختیاری را معرفی نموده است. از این گونه ادبیات عامه، اطلاعات فراوانی در زمینه‌های مردم‌شناسی، روانشناسی قومی، بوم‌شناسی، تاریخ و فرهنگ به دست می‌آید. این بخش از ادبیات، اطلاعاتی از تاریخ شفاهی ایران را دربر دارد.

۲- بحث و بررسی

با توجه به تعاریف داستان عامیانه و آنچه ارائه گردید، ضمن شرحی از قصه‌های حمزه‌نامه و حسین کرد، ابیات استشهدی در دو اثر عامیانه حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری با هم مقایسه شده‌اند. سپس نتایج حاصله با جدول و استنتاج لازم ارائه گردیده است.

۲-۱-۱- قصه حمزه‌نامه

قصه امیر حمزه بر مسائل دینی و اعتقادی تأکید دارد و بیشتر دارای جنبه حماسی است. این کتاب در روزگار صفویه تحریر شده، ولی نویسنده آن نامعلوم است. اگرچه قدمت و پیشینه آن به دوران قبل از اسلام می‌رسد، حوادث منقول در این قصه با ظهور اسلام مطابقت دارد. قهرمان اصلی این داستان مذهبی، جناب حمزه عموی پیامبر اسلام (ص) است. از مهمترین ویژگی‌های این کتاب همین بس که در سرزمین‌های اسلامی از قلب جزیره العرب تا هند و اندونزی شناخته شده است. «قصه امیرالمؤمنین حمزه که به نام‌های رموز حمزه و حمزه‌نامه معروف است، یکی از داستان‌های پهلوانی است که ریشه مذهبی دارد و قهرمان اصلی داستان، حمزه، عموی رسول خدا (ص) است. ذبیح الله صفا می‌نویسد: این کتاب به دستور حمزه بن عبدالله خارجی [متوفی در ۲۱۳هـ.ق] که برای خود در نواحی شرقی ایران، دستگاه حکومت تشکیل داده بود، انجام گرفت... نثر کتاب متفاوت است... در پایان کتاب نیز نشانه‌ای از تاریخ تحریر کتاب دیده نمی‌شود و کاتب آن نیز معلوم نیست». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۲۰-۱۹)

این قصه، به سبک قدیم و مطالبی درهم آمیخته دارد که بیشتر آن‌ها هیچگونه تناسب زمانی ندارند. نثر آن، ساده، زیبا، جملات کوتاه و خالی از صنایع لفظی است، در برخی موارد، نثر متکلف دارد. در این قصه کلمات فارسی اصیل و هندی زیاد است، ولی دارای غلط‌های املائی و عبارات و ابیات تکراری و گاه سست است که باعث خستگی خواننده می‌شود.

«قصه جهان‌گشایی‌هایی حمزه‌نامه و خاصه آخرین تحریر آن، که به رموز حمزه موسوم است، روزگاری رایج‌ترین و معروف‌ترین قصه‌ها برای نقالان بود، زیرا هم جنبه دینی داشت و با سیاست مذهبی شاهان صفوی سازگاری می‌نمود و هم تا حدّ اعلائی امکان، داستان‌های آن اغراق‌آمیز و عجیب و غریب و دور از واقعیت زندگی بود... داستان طی قرون بعد از اسلام به تدریج از واقعیت دور و به خیال‌بافی نزدیک می‌شود...». (محبوب، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

در حمزه‌نامه که در روزگار صفویان و بعد از آن به وسیله روایان و نقالان شفاهی بیان

می‌شد، ابیات پراکنده‌ای از سراینده‌گان معلوم و نامعلوم مشاهده می‌شود که نیاز به تحقیق و پژوهش دارد.

۲-۱-۲- قصه‌ حسین کردشبه‌ستری

قصه‌ حسین کرد نوعی قصه‌ عامیانه است که پیشینه‌ و قالب آن به روزگاران قبل از اسلام می‌رسد که تا قرن بیستم میلادی ادامه داشته است. این اثر با دیگر داستان‌های عامه تفاوت دارد، زیرا، در این داستان‌ها ماجراهای عاشقانه و تخیلی اهمیت چندانی ندارد، بلکه این قصه درباره‌ وفاداری قهرمان یعنی حسین کرد به شاه عباس صفوی و مذهب شیعه اثنی‌عشری است. این داستان‌های مردمی از نظر زبان، مضمون و محتوا با ادب سنتی که اثر فرهیختگان است، تفاوت‌های اساسی دارد و بیشتر برای سرگرمی مردم عامی است. در این کتاب، باورها، آرزوها، تخیلات، فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و ... بیان می‌شود. در این قصه واقعیت‌های تاریخی بیش از همه قصه‌های نقالان نمودار است، اما نباید فراموش کرد که این یک قصه است و کتاب تاریخی نیست. این کتاب هم مانند حمزه‌نامه یک اثر عامه است که تصویری حماسی و مذهبی دارد. نویسنده این کتاب نامعلوم است و نثر کتاب نیز ساده است، حسین کرد، یکی از پهلوانان عصر صفوی بوده و نام دیگر این قصه، حسین‌نامه است. (ن.ک: قصه‌ حسین کرد، ۱۳۹۷: ۴۰-۱۵)

۲-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

قصه‌ها و داستان‌های عامه به دلیل در برداشتن اشعار فارسی در طول مطالب، قابل تأمل و بررسی است، زیرا این متون شامل ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، ادبی، تاریخی، آیین و رسوم مفید و تأثیرگذار هستند که برای همه واضح و روشن است. در نتیجه ضروری است درباره‌ داستان‌های عامیانه تحقیق و پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گیرد. بررسی ابیات استشهادی در آثار عوامانه کمک شایانی به موضوع تحوّل و دگرگونی شعر فارسی و تحقیقات تاریخ ادبی و سبک‌شناسی می‌کند. پژوهش‌های زیادی در این راستا صورت گرفته است، اما در این مقاله هدف آن است تا ابیات پراکنده در دو اثر حمزه‌نامه و حسین کردشبه‌ستری را با هم مقایسه کنیم، لذا در ادامه به دسته‌بندی این ابیات در این دو اثر می‌پردازیم تا شباهت‌ها و افتراق این ابیات استشهادی را دریابیم. در تعریف مقایسه چنین آمده است:

«قیاس کردن، با هم سنجیدن دو چیز را، سنجش». (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۲:

۲-۳- روش تحقیق

در تهیه و تدوین این مقاله و به منظور مقایسه ابیات دو قصه حمزه‌نامه و حسین کرد، از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده گردیده است.

۲-۴- تعریف و تاریخچه استشهاد

این فن و صنعت ادبی از مهمترین ویژگی‌های نثر فارسی است که در آغاز به شکل یک رکن و اصل استدلالی و به منظور اثبات نظر گوینده به عنوان شاهد مثال کاربرد داشته است و هم اکنون بیشتر مردم به منظور قبولاندن نیت و گفته خویش به دیگران از این آرایه و شیوه استفاده می‌کنند.

درباره تعریف استشهاد چنین آمده است: «آرایه‌ای که طی آن، نویسنده یا شاعر برای به کرسی نشاندن سخنی که مدعی آن است، به ذکر شواهدی می‌پردازد که این شواهد از آیات قرآن، احادیث، شعر تا کلام بزرگان و ... را دربر می‌گیرد». (همای، ۱۳۸۷: ۲۹۹) در چهار مقاله نظامی عروضی که به تفضیل در باب دبیری و ماهیت آن سخن گفته شده، استشهاد به عنوان یکی از شگردهای اعتباربخشی به کلام که شامل استشهاد به منابع دینی و تاریخ و امثال و اشعار است، تأکید بسیار شده است. (ر.ک: نظامی عروضی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۳)

کاربرد فن استشهاد در نامه‌ها و مکاتیب پیامبر به طریق اقتباس و نقل آیاتی از قرآن به جای رکن اصلی مکتوب و سپس در خطب و بعضی از نامه‌های خلفا و زعمای عرب نیز از دلایل اهمیت این صنعت در تاریخ ادبیات و بلاغت است. «جاحظ پایه‌گذار بلاغت عربی، استعمال آیات و اخبار را بر سبیل استشهاد در خطب، از محاسن کلام و دلایل و رونق آن شمرده است». (ن.ک: خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۹۷)

با توجه به آنچه گفته شد، این آرایه ادبی سابقه‌ای کهن و دیرینه دارد. از دیرباز تا کنون افراد برای اثبات و تأیید سخن خود با اتکاء بر آیات و روایات، سخن بزرگان، اشعار و امثله و ... به بیان نظر و عقیده خود پرداخته، تا مورد قبول دیگران قرار گیرد. به مرور زمان صنعت استشهاد، شکل‌های هنری و متنوعی در متون ادب فارسی پیدا کرد. از نیمه قرن پنجم این فن به شیوه یک آرایه بلاغی مورد توجه ادیبان قرار گرفت و کم‌کم، شکل‌های جدید و متنوع‌تری در متون ادبی رایج شد، تا اینکه در قرن ششم و هفتم به نشانه روشن و بارز آثار عرفانی مبدل گردید، از این رو می‌توان قرن ششم و هفتم را دوران شکوفایی صنعت بلاغی استشهاد دانست. (ر.ک: هادی، ۱۳۹۶: ۲۴۶-۲۴۴)

۲-۴-۱- دو نمونه از آرایه‌ی استشهاد در حمزه‌نامه

مثال ۱: «چند روز امیر حمزه، هرمز خران را با جمله سپاه او مهمان داشت، چنچ هرمز جنگ را فراموش کرد، مطیع امیرالمؤمنین حمزه شد و شرمنده گشت. احسان همه خلق را نوازد آزادگان را به غلام سازد^۱».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۳۲۶)

مثال ۲: «گفت: من پسر لندهور و مرا فرهاد گویند. بهمن گفت: پدرت باری پهلوان است، ترا نمی‌دانم. چون بهمن این سخن گفت، گرز برکشید و حمله بر فرهاد آورد. فرهاد ضرب گرز خود برو زد. بهمن گفت: هم زور پدري. هر آینه پسر این چنین باید که جای پدر نگاه دارد.

پسر کو ندارد نشان پدر تو بیگانه خوانش، خوانش پسر^۲».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۳۲۶)

۲-۴-۲- دو نمونه از آرایه‌ی استشهاد از قصه‌ی حسین کرد

مثال ۱: «رفت راست بشود که آن دلاور سر و سینه را بر روی او لنگر انداخته و دستی روی گریبان و دستی زنجیر او را گرفته، از ته دل نالید و گفت: ای آقا، فدای تو شوم! تفاوتی نکند قدر پادشایی را گر التفات کند کمترین گدایی را^۳». (قصه‌ی حسین کرد، ۱۳۹۷: ۳۵۷)

مثال ۲: «قران صحرایی چو سید را دید، برخاست و سید را نشانید و گفت: بیا ما و تو آشتی بکنیم و تو را با عبید صلح دهم و من از این ولایت بروم. سید گفت: بس کن ای نامرد، بگرد تا بگردیم.

یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ یا او تن ما به دار سازد آونگ

القصه در این زمانه با فرهنگ یا کشته برم، به که به صد زنده به ننگ^۴».

(قصه‌ی حسین کرد، ۱۳۹۷: ۸۷)

۱- «احسان همه خلق را نوازد آزادان را به بنده سازد». (نظامی گنجهای، ۱۳۸۶: ۴۰۸)
۲- در شاهنامه فردوسی این بیت چنین آمده است:

«پدر چون به فرزند ماند جهان کند آشکارا بر او بر نهان
گر او بفکند فرّ و نام پدر تو بیگانه خوانش، خوانش پسر». (فردوسی، ۱۳۷۶: ۷۶)
۳- «تفاوتی نکند قدر پادشایی را که التفات کند، کمترین گدایی را». (سعدی، ۱۳۶۶: ۳۵)

۴- بیت دوم، وزن درستی ندارد. اصل این بیت چنین است:
«یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ یا او سر ما به دار سازد آونگ
القصه در این زمانه پر نیرنگ یک کشته به نام، به که صد زنده به ننگ».
(فرخی سیستانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱)

در این مقاله ابیات دو کتاب حمزه‌نامه و حسین کرد را از نظر موضوع و کارکرد با هم مقایسه کرده و سپس با جدول و آمار و درصد نیز نشان داده شده است. مقدمه قصه حمزه‌نامه دارای ۱۴ بیت است که یک بیت آن مغشوش است و کلماتی از آن بیت افتاده‌اند و نامفهوم است. در آغاز کتاب، پس از عباراتی در حمد و ثنای خداوند، ۱۳ بیت دیگر آن در مدح و منقبت پیامبر اسلام(ص) و حضرت حمزه(ع) عموی بزرگوار پیامبر اسلام هستند. اما در مقدمه قصه حسین کرد بیتی نیامده و به ذکر اسامی قهرمانان این قصه از جمله حسین کرد، میرباقر آجریز، مسیح تکه‌بند، نقی ریخته‌گر و حیدر چاقچوردوز که از پهلوانان و پیشه‌وران محلی بوده‌اند، پرداخته شده است. پس ابیات مقدمه حمزه‌نامه از نظر موضوع مدحی ولی از لحاظ کارکرد ابیاتی تأییدی در رسالت و سروری پیامبر بزرگوار اسلام هستند. ولی در مقدمه حسین کرد، بیتی نیامده است تا از نظر موضوع و کارکرد بررسی و مقایسه شود.

۲-۵- طبقه‌بندی ابیات حمزه‌نامه

ابیات مقدمه حمزه‌نامه ۱۳ بیت است که از نظر موضوع ابیاتی مدحی و از لحاظ کارکرد ابیاتی تأییدی در رسالت پیامبر اسلام هستند. ابیات متن حمزه‌نامه ۱۰۷ بیت هستند که آن‌ها را به موضوعات اخلاقی، اجتماعی، اندرزی، حماسی، مدحی، دعایی، عاشقانه و توصیفی دسته‌بندی شده است. ابیات متن این کتاب را از لحاظ کارکرد به ابیات تأییدی، تأکیدی و تکمیلی و توصیفی تقسیم گردیده است.

۲-۶- ابیات تکراری در حمزه‌نامه

۲-۶-۱- ستون کرد چپ را و خم کرد راست غریو از خم چرخ چاچی بخواست
بیت فوق در صفحات (۷۵، ۸۵، ۱۱۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۷۹، ۴۴، ۴۶۹، ۵۶۸) یازده بار تکرار شده است.

۲-۶-۲- بیا تا چه داری ز مردی نشان کمان بلندی و گرز گران
این بیت سه بار در صفحات (۸۵، ۱۷۴ و ۲۳۸) قصه حمزه‌نامه تکرار شده است.
۲-۶-۳- می حجاب از چشم مردان برگرفت چشم ساقی باده احمر گرفت
این بیت ۲۶ بار در صفحات (۸۷، ۹۷، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۸۱، ۱۹۱، ۲۰۷، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۸۵، ۲۹۸، ۳۰۷، ۳۳۶، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۷۶، ۴۰۵، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۷۴، ۴۷۷، ۵۰۴، ۵۲۹ و ۵۵۱) کتاب حمزه‌نامه تکرار شده است.

۲-۶-۴- دو دستی چنان می‌گزارید تبغ که جان دادن خصم نامد دریغ
این بیت دو بار در صفحات (۲۳۳ و ۵۸۴) آمده است، ولی در صفحه ۵۸۴ ناقص و مغشوش است.

۲-۶-۵- بودنی بود، هرچه خواسته بود غم به دل داشتن ندارد سود
 گرگ از گله گوسپند ربود های و هوی شبان ندارد سود
 این ابیات چهار بار در صفحات (۱۴۵، ۲۵۲، ۵۱۳ و ۵۷۷) حمزه‌نامه تکرار شده‌اند.
 ۲-۶-۶- روز دیگر کین جهان پر غرور یافت از سرچشمه خورشید نور
 ترک روز آخر کله با زرین کمر هندوی شب را به تیغ افکند سر
 این ابیات نیز هفت بار در صفحات (۱۷۱، ۲۰۲، ۱۷۶، ۲۳۳، ۳۲۵، ۳۹۷ و ۴۷۸) کتاب حمزه‌نامه تکرار شده‌اند.

۲-۶-۷- غرنبید کوس و بنالیدی نای تو گویی درآمد زمانه ز پای
 بیت فوق دوبار در صفحات (۱۷۱ و ۲۳۴) کتاب حمزه‌نامه تکرار گردیده است.
 ۲-۶-۸- تا در نرسد وعده هر کار که هست سودی نکند یاری هر یار که هست
 این بیت دوبار در صفحات (۱۶۳ و ۴۳۹) کتاب حمزه‌نامه تکرار شده است.
 ۲-۶-۹- به شیر شتر خوردن و سوسمار عرب را بدین جا رسیدست کار
 به ملک عجم‌شان کند آرزو تهو باد بر چرخ گردان تهو
 این ابیات پنج بار در صفحات (۱۲۱، ۲۰۰، ۳۸۵، ۴۳۴ و ۵۱۳) کتاب حمزه‌نامه تکرار شده‌اند.

در حمزه‌نامه از اشعار شاعران بزرگی از قبیل حکیم فردوسی، حکیم نظامی، عطار، ابوسعید ابوالخیر و... استفاده گردیده است. همان‌طور که گفته شد، بیشتر این ابیات بارها تکرار شده‌اند که باعث اطناب متن و ملال‌انگیزی خواننده می‌گردد. از مجموع ۱۲۰ بیت و مصراع این کتاب، دو تا مصراع به کار رفته و ۱۱۸ تای دیگر بیت است، که نشان می‌دهد توجه و تأکید نویسنده این کتاب بر کاربرد بیت بوده است.

دو مصراع به کار رفته در این کتاب عبارتند از:
 الف- مصراع: «مار چه خورد (خُرد) بنگری، زهر فزون ترش بود». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲:

۹۸)

ب- مصراع: «شب محرم عاشقان است، شبهاش طلب». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۴۳)

۲-۷- اسامی شاعران در قصه حمزه‌نامه

از اشعار حکیم فردوسی، حکیم نظامی، انوری ابیوردی، عطار، ابوسعید ابوالخیر و... در این قصه استفاده گردیده است. همان‌طور که اشاره شد، بسیاری از این ابیات تکرار شده‌اند و باعث خستگی و ملال خواننده می‌گردد. در این اثر، بیشترین ابیات از حکیم فردوسی، حکیم نظامی و عطار هستند.

۲-۸- طبقه‌بندی ابیات قصه حسین کرد

ابیات قصه حمزه‌نامه را که ۱۳ بیت در مقدمه و ۱۰۷ بیت در متن کتاب بود، طبقه‌بندی موضوعی و کارکردی نمودیم. اینک ابیات قصه حسین کرد که ۴۰ بیت در متن قصه گنجانده شده را از نظر موضوعی به ابیات حماسی، اندرزی و حکمی، عاشقانه، توصیفی و دعایی دسته‌بندی کرده و از لحاظ کارکرد این ابیات را به ابیات تأییدی، تأکیدی و تکمیلی و توصیفی تقسیم نمودیم.

۲-۹- ابیات تکراری در قصه حسین کرد

در قصه عامیانه، مذهبی و حماسی حسین کرد بیشتر از کلمات ترکی، عامیانه و رکیک استفاده شده است، درحالی که کاربرد و استفاده از کلمات فارسی اصیل، کهن و همچنین نام‌های خاص هندی از قبیل جیپال، شهیال و لگهنوتی و... در حمزه‌نامه زیاد است. قصه حسین کرد را می‌توان یک حماسه عامه دانست. در این کتاب مانند حمزه‌نامه بعضی از ابیات تکرار شده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۹-۱- تیری از آن غمزه دل‌دوز جست بر جگرش آمد و تا پر نشست

این بیت در صفحات (۵۷ و ۱۵۱) قصه حسین کرد، دوبار آمده است.

۲-۹-۲- به کشتی گرفتن نهادند سر گرفتند هر دو دوال کمر

این بیت چهار بار در صفحات (۹۹، ۲۱۹، ۲۴۳ و ۳۵۶) کتاب قصه حسین کرد آمده است.

۲-۹-۳- قضا چون ز گردون فرو ریخت پر همه عاقلان کور گشتند و کر

این بیت سه بار در صفحات (۲۴۲، ۲۷۲ و ۳۳۹) قصه حسین کرد، آمده است.

۲-۹-۴- گردن چرا نهیم جفای زمانه را قانع چرا شویم به هر کار مختصر

این بیت دو بار در صفحات (۲۶۸ و ۳۱۸) قصه حسین کرد تکرار شده است.

۲-۹-۵- یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ یا او تن ما به دار سازد آونگ

این دو بیت دو بار در صفحات (۹۷ و ۳۸۲) قصه حسین کرد شبستری تکرار شده است. با توجه به ابیات تکراری در قصه حسین کرد و حمزه‌نامه، تکرار ابیات در قصه حمزه‌نامه در مقایسه با قصه حسین کرد شبستری بیشتر است. اگرچه این تکرار و اطناب خسته کننده و ملال‌آور است، ولی این ابیات استشهدی بر تأیید و تأکید، تکمیل و توصیف موضوع مطرح شده در قصه، تأثیر زیادی دارند و با متن داستان تناسب و همخوانی دارند.

۲-۱۰- اسامی شاعران در قصه حسین کرد

در این اثر، از اشعار شاعران مشهور و بزرگی همچون حکیم فردوسی، فرخی سیستانی، حکیم نظامی گنجه‌ای، مولوی، سعدی، شیخ‌بهای، ابوسعید ابوالخیر، رضی‌الدین آرتیمانی

و غیره استفاده شده است، در حالی که در حمزه‌نامه نیز از ابیات حکیم فردوسی و نظامی و ابوسعید ابوالخیر و دیگران نیز به کار رفته است.

«این شرح جهان‌گشایی‌های حمزه از رایج‌ترین قصه‌ها بوده و خصوصاً در دوره صفوی با روحیه مذهبی عصر صفوی همخوانی داشته و البته دامنه گسترش آن از ایران فراتر رفته و تا هندوستان و اندونزی و جاوه و مالایا نیز رسیده بوده است... در میان داستان‌های عامیانه، قصه حسین کردشبه‌ستری یا حسین‌نامه، خصوصیتی یگانه دارد و آن درست بودن زمینه تاریخی و جغرافیایی است...» (ذکاوتی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۱) عصاره و ماحصل مطالب ارائه شده از این دو کتاب، در جدول زیر با آمار و ارقام نشان داده شده است. اهم ویژگی‌های این دو قصه عامیانه، مذهبی و حماسی که سابقه‌ای دیرینه دارند، چنین است:

جدول شماره ۱: آمار و مقایسه ابیات استشهادی در قصه‌های حمزه‌نامه و حسین کرد

ابیات	قصه حمزنامه							قصه حسین کرد								
	ابیات مقدمه	ابیات متن حمزنامه بر اساس موضوع						ابیات مقدمه	ابیات متن قصه حسین کرد							
		ملح و منقبت	حماسی	اندرزی	اجتماعی و اخلاقی	مدحی و دعایی	عاشقانه		توصیفی	کل ابیات متن و مقدمه	ننارد	حماسی	اندرزی	عاشقانه	دعایی	ابیات توصیفی
تعداد	۱۳	۲۲	۱۳	۱۳	۹	۳	۴۷	۱۲۰	-	۹	۴	۷	۲	۱۸	۴۰	از نظر موضوع
تعداد	۱۰۰	۲۰/۵۶	۱۲/۱۵	۱۲/۱۵	۸/۴۲	۲/۸۰	۴۳/۹۳	۱۰۰	-	۲۲/۵	۱۰	۱۷/۵	۵	۴۵	۱۰۰	تعداد
ابیات از نظر کارکرد	تأییدی مقدمه	تأییدی متن	تأییدی متن	تکمیلی متن	توصیفی متن	کل ابیات کارکردی متن	کل ابیات متن و مقدمه	-	-	ابیات تأییدی متن	ابیات تأییدی متن	ابیات تکمیلی	ابیات توصیفی	کل ابیات کتاب	-	ابیات از نظر کارکرد
تعداد	۱۳	۴	۱۸	۳۸	۴۷	۱۰۷	۱۲۰	-	-	۵	۷	۱۰	۱۸	۴۰	-	تعداد
رصد	۱۰۰	۳/۷۳	۱۶/۸۲	۳۵/۵۲	۴۳/۹۳	۱۰۰	۱۰۰	-	-	۱۲/۵	۱۷/۵	۲۵	۴۵	۱۰۰	-	رصد

۲-۱۱- مقایسه ابیات حمزه‌نامه و حسین کرد

بر اساس جدول قبل در دو قصه حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری که آثاری مذهبی، حماسی و عامیانه‌اند. ابیات استشهادی به کار رفته در این دو اثر، از لحاظ زیر با هم تشابه دارند:

الف- وجوه تشابه در قصه‌های حمزه‌نامه و حسین کرد شبستری:

- ۱- در حمزه‌نامه و حسین کرد ابیات مدحی و دعایی به کار رفته است.
- مثال از ابیات مدحی در نعت و مدح پیامبر اسلام(ص) و حضرت حمزه(ع) عموی بزرگوار آن حضرت:

مثال ۱: «محمد که بد مُعلن کاف و نون
چو دلتنگ گشتی به کار اندرون
برادر ورا چار یار گزین
نماید ترا ره سوی بارگاه
روایت کند عم پاکیزه دین
به پیش نبی سید المرسلین
ز اخبار حمزه عم مصطفی
امیر شهیدان به روز قضا
که گوینده گفته است تا بوده‌ایم از این تحفه تر قصه نشنوده‌ایم».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۴۳)

- مثال از ابیات دعایی؛ در قصه حسین کرد، هنگام کشتی گرفتن حسین کرد با بد رگ‌خان:

مثال ۲: «آن نهنگ زمان و شیر بلاد آذربایجان (حسین کرد)، روی خود را به جانب قبله کرده، از ته دل نالید و گفت: یا مظهر العجائب یا اسدالله الغالب یا مطلوب کل طالب یا هزبر السالب؛

ای شاه توئی که خدا راشیری
مرحب کش و خندق جه و خیبرگیری
مپسند که بیش از این غلامان تو را
ایام کند ذلیل هر بی‌پیری».

(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۳۵۷-۳۵۶)

- ۲- در هر دو اثر ابیات حماسی و پهلوانی از حکیم فردوسی و ... به کار رفته است:
- مثال ۱: «پس مقبل دست بر کمان عاج قبضه تیار گوشه زد و تیر خدنگ ز رنگ عقاب
پر یازده مشتی را در بحرۀ کمان پیوست.

ستون کرد چپ را، خم آورد راست
غریو از خم چرخ چاچی بخواست».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۱۶)

- مثال ۲: «هر دو روی در عقب کرده، این قدر قوت کردند تا کمندها چون تار عنکبوت
گسسته شد. پس کمر یکدیگر را گرفتند.

به کشتی گرفتن نهادند سر
گرفتند هر دو دوال کمر».

(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۲۴۳)

- ۳- در هر دو قصه، از ابیات حکمی و اندرزی استفاده شده است.
- مثال ۱: «عمر امیه گفت: ای جهانگیر، تا این زمان چرا نکشتی؟ امیر گفت:
بسیار خواستم، نمی‌توانستم.

تا در نرسد وعده هر کار که هست سودی نکند یاری هر یار که هست».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۲۷۲)

مثال ۲: «چون پاسی از شب گذشت، غرق در سلاح شبروی گردیده، از درون کاروانسرا و راستای کوچه و بازار می‌آمد و در فکر و خیال بود.

قضا چون ز گردون فرو ریخت پر همه عاقلان کور گشتند و کر».

(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۲۷۲)

۴- در این دو اثر، ابیات اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، انتقادی و... به کار رفته است.

مثال ۱: «چنین آورده‌اند، در قرون ماضیه در ایران زمین به شهر مداین پادشاهی بود که او را قباد شهریار گفتندی، شاهی عادل و رعیت نواز و مخالف شکن بود.

چنان دادگر بُد که از داد خویش سر گرگ را بست بر پای میش».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۵۱)

مثال ۲: «چند روز امیر، هرمز خزان را با جمله سپاه او مهمان داشت. چنچ هرمز جنگ فراموش کرد، مطیع امیرالمؤمنین حمزه شد و شرمنده گشت.

احسان همه خلق را نوازد آزادگان را غلام سازد».

(همان: ۱۰۹-۱۰۸)

مثال ۳: «شب دیگر پهلوان صادق سلاح دربر کرده و روی در سر چهار سو نهاده، در راه با خود گفت:

گردن چرا نهیم جفای زمانه را قانع چرا شویم به هر کار مختصر؟».

(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۳۱۸)

۵- در هر دو کتاب، ابیات عاشقانه و غنایی به کار برده شده است.

مثال ۱: «و از عقل معلوم کرد که امیر حمزه در دام عشق گرفتار شده. پس امیرالمؤمنین

حمزه(رض) قدری بنشست و بابرخواست و فرود کوشک رفت و آهسته می‌نالید؛

چو صیدم کرده‌ای، ای ترک چالاک ببند اکنون شکاری را به فتراک

چون بنمودی و بربودی ز من دل تو دانی چاره این کار مشکل».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۴۲)

مثال ۲: «شب افتاد، امیر را خواب نبود و زمانی نمی‌آرامید، در دل گذرانید ای حمزه،

وگفت:

مصراع: شب محرم عاشقان است، شب‌هش طلب!

باید که در شب طلب کنی. حمزه، معشوقه‌وار آهسته کمند بستد و مقبل حلیی را

بیدار کرد و از بارگاه برون آمد». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۴۳)

مثال ۳: «نظرش بر جمال دختری افتاد که آفتاب در پیش حسن او، نمودی نداشت. میرباقر نظرش بر جمال آن نازنین افتاد، فی‌الفور؛

تیری از آن غمزه دل‌دوز جست
بر جگرش آمد و تا پر نشست».
(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۵۷)

مثال ۴: «قدبدین دید که یک مرتبه اشک از چشم پیچک روانه شد. قدبدین گفت: پهلوان تو را چه شد؟ گفت:

عاشقم عاشم، به یار قسم
به سر زلف آن نگار قسم».
(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۴)

۶- در هر دو قصه، از ابیات توصیفی استفاده شده است.
مثال ۱، در توصیف شخص: «چون مدت حمل سپری شد، پسری از او در وجود آمد، چون ماه شب چهارده، پسری! چگونه پسری!

گویی به زمین ستاره آمد
یوسف به جهان دوباره آمد».
(حمزه‌نامه، ۱۶۲: ۴۶۲)

مثال ۲، در توصیف اشیاء: «سید سپر را از پشت سرکشیده، بر سر دست گرفته، در زیر ابر سپر پنهان شد.

سپری داشت آن گزیده سوار
همچو دور قمر مُدور بود
آسمان رنگ و آینه کردار
پر ز یاقوت و لعل و گوهر بود».
(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۱)

یادآوری: در هر دو کتاب از ابیات توصیفی (توصیف اشخاص، مکان‌ها و اشیاء و...) استفاده گردیده است. همچنین در این دو اثر از آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، تمثیل، غلو و اغراق، جناس و... استفاده شده است. در مثال ۱، ستاره، استعاره از نوزاد پسر و در مصراع دوم به حضرت یوسف تملیح و اشاره شده است.

در مثال ۲، سپر به آسمان و دور قمر تشبیه شده است که تشبیهاتی ساده‌اند.
۷- هر دو کتاب، ریشه مذهبی و اعتقادی دارند و از اسلام و پای‌بندی به اسلام، بیشتر سخن می‌گویند.

مثال ۱: این قصه‌ایست معروف و مشهور در عرب و عجم و در کلّ بلاد اسلام به روایات مختلف، اما این قصه به روایت صحیح از امیرالمؤمنین عباس رضی‌الله عنه، ابوطالب و عباس اودران حضرت رسالت صلی‌الله علیه و سلم...

محمد که بُد مُعلن کاف و نون
چو دلتنگ گشتی به کار اندرون
چو عباس گفتی مرا سر گذشت
که بر حمزه دور فلک چون گذشت

محمد رسول است نزد اله نماید ترا ره سوی بارگاه».

(حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۴۳-۴۲)

مثال ۲: «و آن دلاور راست شده، می‌گفت: اجاق اجاق علی ولی الله و به قدر دو ساعت در تلاش بودند و دلاوران در تاریکی تماشای ایشان می‌کردند... گفت یا مظهر العجائب یا اسدالله الغالب یا مطلوب کل طالب یا هزبر السالب؛

ای شاه توئی آن که خدا را شیری مرحب کش و خندق جه و خیبرگیری
مپسند که بیش از این غلامان تو را ایام کند ذلیل هر بی‌پیری».

(قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۳۵۸-۳۵۷)

۸- از دیگر وجوه تشابه این دو کتاب می‌توان به قدمت و پیشینه آن‌ها اشاره کرد که سابقه آن‌ها به قبل از اسلام تا ظهور اسلام می‌رسد:

«... وقایع مربوط به پیش از مسلمان شدن حمزه است و کتاب خود بدین امر تصریح می‌کند، چنانکه در اواخر داستان (شصت و هشتم) ص ۵۷۹ آمده: «پس حضرت رسالت(ص)، امیر حمزه را در دین خود دعوت کرد... امیرالمؤمنین... پیغامبر را به رسالت قبول کردند». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۲)

- «حسین کرد شبستری، از گونه داستان‌های عامیانه است که پیشینه و قالب آن‌ها به روزگاران پیش از اسلام می‌رسد ولی تا سده بیستم میلادی تداوم داشته است». (قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۴۶۱)

۹- نویسنده این دو کتاب نامعلوم است و نامی از مؤلف در این دو اثر نیامده است:

«قصه امیرالمؤمنین حمزه... ریشه مذهبی دارد. حوادث آن مقارن ظهور اسلام اتفاق افتاده و... در هیچ جای داستان از راوی نامی برده نشده است». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۹)

«قصه حسین کرد شبستری که در زمان صفویه نوشته شده... کاملاً محرز است که فراهم آورنده قصه، آدمی عامی و نقالی بی‌مایه و بی‌اطلاع بوده است». (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵)

۱۰- قصه‌های حمزه‌نامه و حسین کرد، در عصر صفویه تحریر و مکتوب شده‌اند، اگرچه پیشینه‌ای دیرینه دارند.

- «... قصه حمزه یکی از متن‌های داستانی است که ظاهراً در دوره صفویه تألیف شده و به استثنای بعضی موارد، اغلب نثری زیبا و فصیح دارد». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۱۵)

- «در قصه حسین کرد که در زمان صفویه نوشته شده، از نظر قصه‌پردازی نزول فاحشی دیده می‌شود... قصه، هم دچار نقص و سستی‌های ابتدایی ساختی و پرداختی است و هم از نظر معنا و مضمون و تنوع وقایع کم‌مایه و حقیر است. نثرش سست و فقیرانه

است». (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۵۴)

۱۱- کتاب‌های حمزه‌نامه و حسین کرد قبلاً به شیوه نقلی و شفاهی در میدان‌ها، قهوه‌خانه‌ها، معابر و ... اجرا می‌شدند.

- «داستان‌هایی که در اماکن عمومی و قهوه‌خانه از روی آن‌ها نقل گفته می‌شد... قصه جهان‌گشایی‌های حمزه و خاصه آخرین تحریر آن که به رموز حمزه موسوم است، روزگاری رایج‌ترین و معروف‌ترین قصه‌ها برای نقالان بود، زیرا جنبه دینی داشت و با سیاست‌های شاهان صفوی سازگاری می‌نمود...». (محبوب، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۹)

- «قهرمان اصلی برخی از قصه‌های نقالان شخصیتی تاریخی است و همین امر این نوع قصه‌ها رابه گونه‌ای به تاریخ پیوند می‌دهد... قصه حسین کرد شبستری یکی از این گونه قصه‌ها است که واقعیت‌های تاریخی بیش از همه قصه‌های نقالان است، اما نباید فراموش کرد که این کتاب درواقع قصه است و کتاب تاریخی نیست». (قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۱۵)

۱۲- نثر هر دو کتاب ساده و عامیانه است، بجز در بعضی قسمت‌های حمزه‌نامه که نثر متکلف به چشم می‌خورد.

- «نثر کتاب ناهم‌آهنگ است، اما بیشتر صیغه سبک قدیم دارد و در آن لغات اصیل فارسی فراوان دیده می‌شود. نثری است مرسل با جملات کوتاه و روان و ساده از صنایع لفظی بجز در برخی موارد نادر که... نثر اندکی به تکلف می‌گراید». (حمزه‌نامه، ۱۳۶۲: ۲۳)

- «داستان حسین کرد ساده و از بسیاری جنبه‌ها سر راست و آشکار است». (قصه حسین کرد، ۱۳۹۷: ۴۴۳)

۱۳- از دیگر شباهت‌ها و فواید این دو قصه به‌ویژه (رموز حمزه) می‌توان به: «آموزش و تجربه کلی برای حکومت‌ها درباب لشکرکشی و جنگ کردن با دشمنان و مدارا کردن و...» اشاره کرد. (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۷: ۷۷) ایرانیان در دلاوری و طرح‌ریزی و ترسیم آرایش‌های جنگی و پاسداری از ایران زمین نمونه و مثال‌زدنی هستند.

ب- وجوه افتراق و تفاوت‌های این دو کتاب:

۱- قصه حمزه‌نامه، در مقدمه کتاب ابیات مدحی و تأییدی دارد، اما در قصه حسین کرد، در مقدمه کتاب بیتی نیامده است.

۲- در هر دو کتاب، بعضی از ابیات چند بار تکرار شده‌اند، اما تکرار و اطناب در حمزه‌نامه خیلی بیشتر است.

۳- بیشتر مطالب در حمزه‌نامه تناسب زمانی ندارند، اما بیشتر مطالب تاریخی و جغرافیایی در حسین کرد تناسب دارند و به حقیقت نزدیک‌ترند.

۴- در دو کتاب غلط‌های املائی وجود دارد، ولی در حمزه‌نامه غلط‌های املائی خیلی

بیشتر است.

در قصّه رموز حمزه، نقش اصلی را حضرت حمزه(ع) بر عهده دارد، در حالی که در قصّه حسین کرد، یکی از پهلوانان که با رستم زال همانند شده است و به حکومت صفوی وفادار است، نقش و وظیفه اصلی را بازی می‌کند. این فرد، حسین کرد یا حسین گرد است و حضور او در تمام صحنه‌های قصّه پررنگ است و از حکومت شیعی صفویه طرفداری و حمایت می‌کند، همانطور که حضرت حمزه(ع) در نقاط گوناگون مردم را به دین اسلام دعوت می‌کرد.

۳- نتیجه‌گیری

دو قصّه عامیانه حمزه‌نامه و حسین کرد، جنبه اعتقادی و حماسی دارند. این دو اثر، بسیاری از رسوم و سنن، اعتقادات، باورها، عقاید و مسائل اجتماعی، تربیتی و اخلاقی را نشان می‌دهند، لذا لازم است، در این گونه آثار عامه، تحقیق و تفحص بیشتری صورت گیرد. آثار ملی و معنوی، باستانی، ادبی و هنری هر کشوری پشتوانه و مرده ریگی برای نسل‌های آینده است. این انواع ادبی باید بیشتر مورد ارزیابی و جستجو و کنکاش قرار گیرند تا به ماهیت و رموز زندگی پشینیان پی ببریم. در این مقاله ابیات دو کتاب مذکور با هم مقایسه گردید و تشابه و تفاوت‌های آن‌ها بیان گردید. لازم است که بدانیم، آثار این چینی را باید از زاویه و دید قصّه نگاه کرد نه از دریچه کتاب تاریخی و دقیق. در این متون عامه و مردمی که نوعی حماسه هستند، قصّه گو و داستان پرداز ابیاتی استشهادی را برای تلفیق، ترکیب و تأیید گفته‌های خویش آورده است تا بر زیبایی و جذابیت داستان بیفزاید. ابیات استشهادی این دو کتاب، از نظر موضوع و کارکرد، بررسی و مقایسه گردید. در این دو کتب از شعر شاعران بزرگی همچون فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و ... استفاده گردیده است که نشان از حماسی، اخلاقی، حکمی و اندرزی بودن این متون است. در مقدمه حمزه‌نامه ۱۳ بیت به کار رفته که از نظر موضوعی مدحی و از نظر کارکرد تأییدی هستند. متن حمزه دارای ۱۰۷ بیت است که اشعار توصیفی با ۴۳/۹۳ درصد اول، اشعار حماسی با ۲۰/۵۶ درصد دوم و ابیات اجتماعی، اخلاقی و همچنین اندرزی هر کدام با ۱۲/۱۵ درصد مشترکاً سوم هستند. اما در قصّه حسین کرد، در مقدمه بیتی نیامده، ولی متن قصّه دارای ۴۰ بیت است که مانند حمزه‌نامه تعدادی از ابیات تکراری هستند. در حسین کرد ابیات توصیفی با ۴۵ درصد اول، ابیات حماسی با ۲۲/۵ درصد دوم و ابیات عاشقانه با ۱۷/۵ درصد در جایگاه سوم قرار دارند. در مقایسه ابیات این دو اثر، شباهت‌ها و تفاوت بیان شد. از لحاظ کارکرد نیز، ابیات هر دو قصّه، بر اساس ابیات تأییدی، تأکیدی،

تکمیلی و توصیفی با جدول، آمار و درصد در این مقاله ارائه گردیده است. داستان‌های عامیانه، گنجینه‌ای از علوم و رسوم مختلف را در خود جای داده‌اند، در نتیجه به نظر می‌رسد، اهل ادب و دانشجویان ادبیات باید بیشتر در این نوع ادبی، تحقیقات جامعی انجام دهند تا رموز جدیدی را بازگشایی کنند.

منابع

- ۱- احمدسلطانی، منیره. (۱۳۹۲). «نگاهی به سیر قصه‌های عامیانه در دوره صفویه با محوریت رموز حمزه»، *مجله تاریخ ادبیات*، شماره ۷۳. صص ۱۹-۵.
- ۲- جانسن، رزمی استنفیلد. (۱۳۸۵). *حیدرآباد در داستان حسین کرد*، ترجمه عسکر بهرامی، ضمیمه قصه حسین کرد شبستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: چشمه، صص ۴۷۱-۴۶۱.
- ۳- حسین کردشبستری. (۱۳۹۷). *قصه حسین کردشبستری*، به کوشش ایرج افشار و مهران افشاری، چاپ هفتم، تهران: چشمه.
- ۴- حمزه‌نامه. (۱۳۶۲). *قصه امیرالمؤمنین حمزه*، تصحیح جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: فرزانه.
- ۵- خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). *فن نثر در ادب فارسی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: زوّار.
- ۶- دشتی، سیدمحمد. (۱۳۷۸). «قصه‌های عامیانه در عصر صفوی»، *ادبیات داستانی*، شماره ۵۲. صص ۱۱-۱۸.
- ۷- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۸۷). *قصه‌های عامیانه ایرانی*، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۸- سروستانی، ابراهیم. (۱۳۸۸). *فرهنگ اشعار فارسی موجود در متون نثر عرفانی فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان.
- ۹- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۶۶). *دیوان غزلیات سعدی*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ اول، تهران: سعدی.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). *سبک‌شناسی نثر*، چاپ اول، تهران: میترا.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۹). *تاریخ ادبیات ایران*، جلد چهارم، خلاصه جلد پنجم، چاپ هفتم، تهران: فردوس.
- ۱۲- صفری آق‌قلعه، علی. (۱۳۹۵). *اشعار فارسی پراکنده در متون تا سال ۷۰۰*

- هجری، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات محمود افشار.
- ۱۳- طایی سمیرمی، حاتم و تجلی اردکانی، اطهر. (۱۳۹۹). «نوستالژی دوران حماسی در شعر بختیاری»، **فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین**، سال ششم، شماره سوم. شماره پیوسته ۲۹، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- ۱۴- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی. (۱۳۷۳). **سخن گستر سیستان**، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۱۵- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). **شاهنامه**، به کوشش سعید حمیدیان، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: قطره.
- ۱۶- فقیهی، حسین. (۱۳۷۳). **ابیات عربی در متون ادب فارسی تا نیمه دوم قرن ششم**، رساله دکتري تخصصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۱۷- مارزلف، اولریش. (۱۳۸۶). **گنجینه‌ای از گزاره‌های قالبی در داستان عامیانه حسین کرد**، ضمیمه حسین‌نامه، به کوشش ایرج افشار و مهران افشاری، تهران: چشمه، صص ۴۵۵-۴۳۹.
- ۱۸- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۹۳). **ادبیات عامیانه ایران**، به کوشش حسن ذوالفقاری، ج ۱ و ۲، چاپ پنجم، تهران: چشمه.
- ۱۹- معین، محمد. (۱۳۸۲). **فرهنگ فارسی**، جلد چهارم، چاپ بیستم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۰- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۰). **ادبیات داستانی**، چاپ ششم، تهران: سخن.
- ۲۱- نظامی عروضی سمرقندی، احمد. (۱۳۸۲). **چهار مقاله**، تصحیح علامه قزوینی، چاپ پنجم، تهران: جامی.
- ۲۲- نظامی گنجه‌ای، الیاس. (۱۳۷۶). **خمسه نظامی**، براساس نسخه وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران: قطره.
- ۲۳- هادی، روح‌الله. (۱۳۹۶). «**اضافه استشهادی**»، **پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت**، سال ۶، شماره ۲. صص ۲۵۵-۲۴۴.
- ۲۴- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۸). **فنون و صنایع ادبی**، چاپ دهم، قم: هما.

25-Tai Samirmi, Hatem and Tajli Ardakani, Athar. (2020). "Nostalgia of the Epic Era in Bakhtiari Poetry", **Quarterly Journal of Literature and Local Language of Iran**, Year 6, Issue 3. Continuous Issue 29. pp. 111-129.

- 26-Ahmad Soltani, Monira. (2013). "A look at the course of folk tales in the Safavid period with the focus on Hamza's secrets", **Journal of Literary History**, No. 73. pp. 5-19.
- 27-Dashti, Seyed Mohammad. (1999). "Folk Tales in the Safavid Era", **Fiction**, No. 52. pp. 11-18.
- 28-Faqihi, Hussein. (1994). **Arabic Verses in Persian Literature Texts up to the Second Half of the Sixth Century**, PhD Thesis, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran.
- 29-Farrokhi Sistani, Abolhassan Ali. (1994). **Sokhan Gostar Sistan**, by Mohammad Dabirsiyaghi, First Edition, Tehran: Sokhan.
- 30-Ferdowsi, Abolghasem. (2000). **Shahnameh**, by Saeed Hamidian, Volume 2, Fifth Edition, Tehran: Drop.
- 31-Hadi, Ruhollah. (2017). "Martyrdom Supplement", **Journal of Literary Criticism and Rhetoric**, Volume 6, Number 2. pp. 244-255.
- 32-Hamzehnameh. (1983). **The story of Amir al-Mo'menin Hamzeh**, edited by Jafar Shaar, second edition, Tehran: Farzan.
- 33-Homayi, Jalaluddin. (1999). **Techniques and literary industries**, tenth edition, Qom: Homa.
- 34-Hussein Kurd Shabestari. (2018). **The story of Hossein Kord Shabestari**, by Iraj Afshar and Mehran Afshari, seventh edition, Tehran: Cheshmeh.
- 35-Johnson, Rosemary Stanfield. (2006). **Hyderabad in the story of Hussein Kurd**, translated by Askar Bahrami, appendix to the story of Hossein Kurd Shabestari, by Iraj Afshar, Tehran: Cheshmeh, pp. 461-471.
- 36-Khatibi, Hussein. (1987). **The Art of Prose in Persian**

Literature, Volume One, First Edition, Tehran: Zovar.

37-Mahjoub, Mohammad Jafar. (2014). **Iranian Folk Literature**, by Hassan Zolfaghari, Volumes 1 and 2, Fifth Edition, Tehran: Cheshmeh.

38-Marzolf, Ulrich. (2007). **A treasure trove of stereotyped propositions in the folk story of Hossein Kord Appendix to the letter**, by Iraj Afshar and Mehran Afshari, Tehran: Cheshmeh. pp. 439-455.

39-Mirsadeghi, Jamal. (2011). **Fiction**, Sixth Edition, Tehran: Sokhan.

40-Moin, Mohammad. (2003). **Farhang-e Farsi**, Volume 4, 20th Edition, Tehran: Amirkabir.

41-Nezami Arooz Samarqandi Ahammad. (2003). **Four articles**, edited by Allameh Qazvini, fifth edition, Tehran: Jami.

42-Nezami Ganjahai, Elias. (1997). **Khamseh Nezami, based on the version of Vahid Dastgerdi**, by Saeed Hamidian, third edition, Tehran: Qatreh.

43-Saadi, Mosleh Bin Abdullah. (1987). **Saadi's lyric collection**, by the efforts of Khalil Khatib Rahbar, first edition, Tehran: Saadi.

44-Safa, Zabihullah. (2010). **History of Iranian Literature**, Volume 4, Summary of Volume 5, Seventh Edition, Tehran: Ferdows.

45-Saadi Aqqala, Ali. (2016). **Persian poems scattered in texts up to 700 AH**, vols. 2, first edition, Tehran: Mahmoud Afshar Publications.

46-Sarvestani, Ibrahim. (2005). **Dictionary of Persian Poetry in Persian Mystical Prose Texts**, Master Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Valiasr University, Rafsanjan.

47-Shamisa, Sirus. (1994). **Stylistics of prose**, first edition, Tehran: Mitra.

48-Zakavati Qaragazloo, Alireza. (2008). **Iranian Folk Tales**, First Edition, Tehran: Sokhan.